

# بنزین، خودآموز سیاستگزاری اقتصادی

اگر قرار است رفتار مصرف‌کنندگان کالایی به نام بنزین تغییر کند منطق اقتصادی بر این نکته دست می‌گذارد که قیمت کلیه کالاهای جایگزین نسبت به قیمت بنزین باید ارزانتر باشد تا مصرف‌کننده تعدیلی در الگوی خود ایجاد کند و گرنه صرف دستور و قانون‌گذاری چندان توفیقی ایجاد نخواهد کرد.

مساله اینجاست که هنوز تصمیم‌سازان امروز کشور منطق اقتصاد را نپذیرفته‌اند و در جهت خلاف آن رفتار می‌کنند. آن چه امروز نگرانی دولت را سبب شده واردات ۷ میلیارد دلاری بنزین است نه مصرف بالای بنزین در کشور و از این روست که به جای تلاش در جهت کنترل تقاضا سرمایه‌گذاری کلانی در طرف عرضه یعنی اصلاح و ساخت پالایشگاه در دستور کار قرار گرفته است. غافل از آن که اگر قرار باشد بنزین مصرفی فعلی در کشور تامین گردد دیگر نفتی برای صادرات نخواهیم داشت. حالا بماند در شرایطی که کشور با کمبود منابع مالی روبروست و از این رو باید بهینه‌ترین فرصت سرمایه‌گذاری مد نظر قرار گیرد به جای ساخت پتروشیمی که توجیه اقتصادی بالاتری دارد ناچاریم پالایشگاه بسازیم.

اقتصاد منطق خودش را دارد و مقاومت در برابر آن عایدی جز اتلاف منابع نخواهد داشت. تا به امروز همه سیاستگذاران با گرایش‌های مختلف سرانجام با آزمون و خطاهای مختلف تن به قواعد اقتصاد داده‌اند. تصمیم‌سازان امروز نیز اگر حاضر باشند نتیجه تصمیمات خود را بپذیرند، سرانجام باید تن به این قواعد دهند. البته نگرانی اینجاست که بجای پذیرش نتیجه تصمیمات آن را به گردن مافیاهای مختلف بیندازیم. یک مربی خبره هیچگاه باخت‌های مکرر خود را به ابر و باد و مه و خورشید نسبت نمی‌دهد گرچه آن‌ها نیز بی‌اثر نیستند.

بنزین سرانجام ۱۰۰ تومان شد. سه سال پیش هنگامی که نمایندگان مجلس، قیمت یازده قلم کالای اساسی نظیر آب، برق، گاز، تلفن، حامل‌های انرژی و بنزین را بر مبنای قیمت‌های شهریور ۳۸ تثبیت کردند، هیچگاه چنین روزی را تصور نمی‌کردند که بار دیگر خود مجبور به افزایش قیمت بنزین شوند. حالا سهمیه‌بندی

نیز به ماجرای بنزین افزوده شده است. اگر دیروز سخن از عیدی دادن به مردم بود امروز نه تنها آن عیدی بلکه چیزی فراتر از آن از مردم پس گرفته شد.

نحوه روبرو شدن تصمیم‌سازان کشور با مساله بنزین به خوبی مویس درک و نحوه تعامل با دانش اقتصاد است. اقتصاد علم انتخاب‌های عقلایی افراد است و از معدود علوم است که پایه اصلی خود را بر رفتارشناسی در سطح خرد قرار داده و تلاش می‌کند تا تحولات شاخص‌های اقتصاد کلان را از طریق کشف قانونمندی‌های حاکم بر انتخاب‌های فردی توضیح دهد.

مثل روز روشن بود وقتی قیمت انواع خدمات بویژه تعمیرات ماشین هر سال افزایش یابد اما نرخ بنزین کاهش یابد مصرف‌کنندگان افزایش مصرف را بر تعمیرات ترجیح می‌دهند. کاملاً روشن بود که

طرح‌های مختلف از جمله خروج خودروهای فرسوده چندان توفیق نخواهد یافت. خیلی روشن بود که خودرو سازان تمایلی به افزایش سرمایه‌گذاری روی سیستم سوخت به نحوی که باعث کاهش مصرف شود نخواهند داشت.

**اگر قرار است رفتار مصرف‌کنندگان کالایی به نام بنزین تغییر کند منطق اقتصادی بر این نکته دست می‌گذارد که قیمت کلیه کالاهای جایگزین نسبت به قیمت بنزین باید ارزانتر باشد تا مصرف‌کننده تعدیلی در الگوی خود ایجاد کند و گرنه صرف دستور و قانون‌گذاری چندان توفیقی ایجاد نخواهد کرد**



## دکتر احمد مجتهد

روزنامه‌های ما در سالهای اخیر از قول مسئولین دستگاه‌های دولتی و بعضاً خصوصی که خدمات به مردم ارائه می‌دهند بارها و بارها از کلمه مصرف بی‌رویه استفاده کرده‌اند. مسئولین آب و برق کشور، گاز در فصول زمستان، بنزین، شکر، نان و ... از جمله مسئولینی هستند که هر زمان با مشکلی از نظر کمبود عرضه روبرو می‌شوند یا می‌خواهند قیمت‌ها را افزایش دهند یا جیره‌بندی نمایند از مردم ایران به عنوان افرادی که مصرف بی‌رویه و بالاتر از استانداردهای جهانی دارند نام می‌برند.

در ایران که هنوز یک کشور در حال توسعه است، در بسیاری از موارد مصرف و خدمات ارائه شده به صورت سرانه پائین تر از متوسط سطح جهانی است. مصرف متوسط سرانه برق ایران، مصرف آب آشامیدنی، بنزین و بسیاری از اقلام دیگر از کشورهای پیشرفته دنیا کمتر است. کمبود تولید و عرضه این محصولات بسیاری از مسئولین را به صرافت انداخته است که فردی غیر از خود را مقصر معرفی کنند و چه فردی بهتر از مصرف‌کننده ایرانی که هیچ سازمان و انجمنی حامی آن نیست و در مقابل سیل اتهامات مصرف بی‌رویه، غیر مسئولانه، پر مصرف و دهها لقب دیگر که می‌تواند ضعف مسئولین را بپوشاند قادر به دفاع از خود نمی‌باشد. نکته قابل توجه این است که طرح این نوع اتهام‌ها از طرف مسئولین، مدیران و گروهی از روشنفکران قبل از انقلاب نیز وجود داشت. مگر نه این که وظیفه مدیران و مسئولین این سازمان‌ها تأمین نیازهای مردم در مقابل پرداخت هزینه آن‌ها است، پس چرا به جای عمل کردن به وظیفه خود، عدم توانایی خود را در تأمین عرضه این نوع کالاها با مقصر جلوه دادن مردم می‌پوشانند.

مدیران و مسئولین هر بنگاه‌ای وظیفه دارند که تلاش نمایند، امکانات لازم از جمله سرمایه، نیروی انسانی و دانش لازم را به خدمت گیرند تا خدمات مورد نیاز مردم را فراهم نمایند. رشد مصرف یک امر طبیعی است که به علت افزایش جمعیت، افزایش سطح درآمد و پیشرفت تکنولوژی و کالاها و مصارف جدید در هر اقتصادی ایجاد می‌شود و نباید آنرا یک پدیده مضر، بد یا ناگوار برای جامعه دانست. در حقیقت، استفاده از یخچال، کولر، جاروی برقی، ماشین لباسشویی، اجاق گاز باعث افزایش رفاه جامعه از طریق افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و کاهش آلام ناشی از کارهای بدنی و افزایش میزان بهداشت جامعه می‌شود.

در بسیاری از مواقع مشکلات تولید به عدم استفاده از تکنولوژی امروزی، فرسودگی و قدیمی بودن تجهیزات و لوازم و ضعف مدیریت برمی‌گردد. در

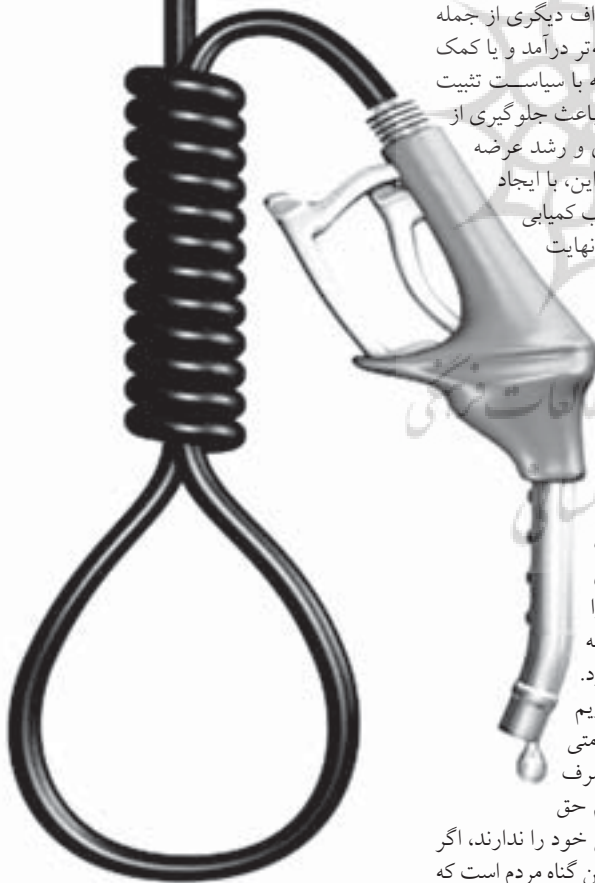
شرایطی از مصرف بی‌رویه برق در ایران صحبت می‌شود که بر طبق گزارش روزنامه‌ها فرسودگی شبکه توزیع برق باعث اتلاف انرژی به میزان ۷۶۰۱ میلیون کیلو وات ساعت که ۰۹/۱۳ درصد کل تولید برق است می‌گردد. اگر اتلاف داخلی نیز به آن اضافه شود این رقم به ۵/۲۰ درصد می‌رسد و ضرری بالغ بر ۶۰۰ میلیارد ریال در سال را موجب می‌گردد. این مسئله در مورد شبکه آب تهران، فرسودگی پالایشگاه‌ها، برخی کارخانجات مثل دخانیات نیز صدق می‌کند که باعث افزایش هزینه‌ها و کمبود عرضه محصولات می‌گردند. مدیران به جای تلاش جهت رفع مشکلات و افزایش کارایی و بالا بردن کیفیت، آن را به گردن مردم می‌اندازد.

علاوه بر مشکلات فنی و مدیریتی، عدم توجه به ابعاد اقتصادی مسئله مشکلات زیادی جهت تولید ایجاد می‌کند. به جای استفاده از مکانیزم قیمت و بازار که موجب ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا می‌گردد، مسئولین سیاسی با اهداف دیگری از جمله جلوگیری از تورم، توزیع عادلانه‌تر درآمد و یا کمک به گروه‌های کم درآمد جامعه با سیاست تثبیت قیمت کالاها و خدمات دولتی باعث جلوگیری از رشد تولید، عدم سرمایه‌گذاری و رشد عرضه متناسب با تقاضا می‌گردند. بنابراین، با ایجاد شکاف بین عرضه و تقاضا، موجب کمیابی محصولات، کاهش کیفیت و در نهایت جیره‌بندی کالاها می‌گردند.

چگونه می‌توان استفاده از تلفن، فاکس و اینترنت را برای مردم به این عنوان که دستگاه‌های انحصاری دولتی توانایی تأمین هزینه‌های سرمایه‌گذاری را ندارند منع کرد و به جای واگذاری امور به بخش خصوصی و استفاده از سرمایه آن‌ها، تکنولوژی‌های قدیمی، ناکارآمد و پرهزینه را استفاده کرد و قادر به تأمین عرضه این کالاها به میزان نیاز مردم نبود. اگر وسایط نقلیه عمومی نداریم مردم پیاده بروند که برای سلامتی آنها بسیار مفید است، اگر مصرف بنزین افزایش یافته است، مردم حق استفاده از اتومبیل‌های شخصی خود را ندارند، اگر مراکز تلفن‌های دیجیتال نداریم این گناه مردم است که زیادی صحبت می‌کنند که دستگاه‌های قدیمی آنالوگ ما قادر به برقراری ارتباط نیست، اگر تلفن‌های سیار کمیاب است و مردم باید ماهها در صف انتظار باشند و بازار سیاه دارد و یا پس از چهار پنج بار تلاش موفق

به صحبت می‌شویم که حین مکالمه قطع می‌شود باز هم گناه مردم است. در حالی که شرکت مخابرات با پولی که چند برابر مردم کشورهای دیگر برای

# مصرف بی‌رویه



به صحبت می‌شویم که حین مکالمه قطع می‌شود باز هم گناه مردم است. در حالی که شرکت مخابرات با پولی که چند برابر مردم کشورهای دیگر برای